

قصاص مجازات قتل همسر سابق

جلال مهرگان

مردی که به اتهام قتل همسر سابقش در بازداشت به سر می‌برد



به قصاص محکوم شد. مردادماه سال گذشته زنی سه اداره پلیس شهرستان شهریار رفت و گم شدن دخترش فریبا را گزارش داد. او گفت: دخترم سه ماه قبل به خاطر اختلافی که با شوهرش داشت طلاق گرفت و با سو فرزندش به خانه‌مان برگشت. شوهرش به صرفت موادمخدر اعتیاد داشت و دخترم را اذیت می‌کرد برای همین فریبا حاضر به ادامه زندگی با شوهرش مهدی نشد و طلاق گرفت. بعد از مطرح شدن این شکایت، مأموران پلیس آگاهی شهریار در این باره تحقیق کردند. بررسی‌های پلیس در این باره نشان داد که فریبا آخرین بار همراه شوهر سابقش مهدی دیده شده است. او بعد از خارج شدن از خانه سواری خودروی مهدی شده و همراه او از محل رفته بود. بعد از به دست آمدن این سریخ، مأموران پلیس مهدی را بازداشت و او را متحقق کردند. او ابتدا گفت که از سرنشوت فریبا خبر ندارد و بعد از سواری کردن او در شهرکشته و او را نزد یک خانه پدرش پیاده کرده است. او اما در تحقیقات فنی به قتل برافراغت اعتراف کرد. متهم گفت: من فریبا را دوست داشتم و نمی‌خواستم او را جدا شوم. بعد از طلاق هم اصرار داشتم به زندگی برگردم برای همین مدام با او تماس می‌گرفتم تا شاید راضی به برگشت شود. روز حادثه هم با فریبا تماس گرفتم و با خودروی خودم به دنبالش رفتم و با هم به سمت جاده فیروزکوه رفتم. در مسیر به او اصرار کردم که برگردد اما قبول نکرد. در مسیر برگشت او روی صندلی خویش برد از فرصت استفاده کردم و تلفن همراهش را بررسی کردم و متوجه شدم که با یکی از بازوهای تکیه ارتباط دارد و می‌خواهد با او ازدواج کند. از این موضوع عصبانی شدم و دست به چاقویی که همراهم بود بردم و به او چند ضربه زدم که فوت شد. سپس جسدش را در در بیابان دفن کردم و به خانه برگشتم که بازداشت شدم.

بعد از اعتراف متهم، مأموران راهی محل شدند و با اطلاعاتی که متهم در اختیار شان گذاشت، جسد را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کردند. با کامل شدن بررسی‌ها بازپرس مهدی را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه وی صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی به پرونده اولیای دم گفتند که خواسته‌شان قصاص است و حاضر به گذشت نیستند. آنها گفتند دخترشان مدت‌ها بود طلاق گرفته بود و ادعای مهدی درباره ارتباط پنهانی فریبا دروغ است. مهدی وقتی به جایگاه قرار گرفت، گفت: من همسرم را دوست داشتم، با این حال به خاطر اختلافی که داشتیم از هم جدا شدیم. ما دو دختر داشتیم که با مادرشان زندگی می‌کردند و من هر از گاهی به دیدنشان می‌رفتم و گاهی هم با فریبا بیرون می‌رفتم. روز حادثه وقتی با هم بیرون رفتم، او روی صندلی خوابش برد. وقتی گوشی تلفن همراهش را بررسی کردم، دیدم که با یکی از دوستان تماس دارد، به همین دلیل عصبانی شدم و او را به قتل رساندم و جسدش را دفن کردم. بعد از آن هم دست به خودکشی زدم. اما مردم کمک کردند و مرا به بیمارستان بردند که نجات پیدا کردم.

هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شدند و او را به قصاص محکوم کردند. بازداشت سارق مسلح در محله کهریزک

بازداشت سارق مسلح در محله کهریزک

سارق مسلح که همراه سه عضو باندها دست به سرقت مسلحانه در محله کهریزک زده بودند، بازداشت شد. سرهنگ محمدقاسم طرھانی، فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: اوایل تیرماه امسال مأموران پلیس از سرقت مسلحانه در یکی از محله‌های کهریزک باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌های نشان داد چهار سرشین خودروی پژو ۲۰۷ با تهدید اسلحه به یک فروشگاه حمله کرده و بعد از سرقت گریخته‌اند. بعد از آن بود که تحقیقات برای شناسایی و بازداشت متهمان به جریان افتاد تا اینکه مأموران دو روز قبل موفق شدند محل تردد سرده‌ست باندها را شناسایی کنند. با کامل شدن بررسی‌ها بود که مأموران روز گذشته موفق شدند متهم را بازداشت و در بازرسی از مخفیگاهش ۳۰۰ میلیون تومان اموال سرقت شده را کشف کنند. متهم ۳۸ ساله در بازجویی‌ها به سرقت مسلحانه اعتراف کرد و تحقیقات پیرا کشف جرائم بیشتر او در جریان است.

شور و پایتخت در چنگ پلیس

معاون اجتماعی سازمان اطلاعات پلیس تهران از بازداشت هفت نفر از اوپاوش سابقه‌دار خبر داد. سرگرد محمد زیدی به «جوان» گفت: همزمان با دریافت اخباری درباره اینکه هفت نفر از اوپاوش محدوده خیابان «خوش» با عریه‌کشی و قدرت‌نمایی مع دست رهنگاری را قطع کرده و باعث وحشت مردم شده‌اند، مأموران پایگاه هشتم سازمان اطلاعات پلیس تهران وارد عمل شدند. وی ادامه داد: همزمان با حضور پلیس مشخص شد که مردان شور و از محل متورانی شده و محل زندگی خود را هم تغییر داده‌اند که مأموران موفق شدند در جریان تحقیقات میدانی مخفیگاه آنها را که مخزیه‌های در حاشیه شهر بود، شناسایی و آنها را بازداشت کنند. زیدی گفت: مردان شور در بازجویی‌ها به جرائم خود اعتراف کردند و تا کامل شدن تحقیقات راهی زندان شدند.

قاتل: پس از قتل سرکار رفتم تادیه مقتول را فراهم کنم!

گفت و گو با متهم

روی صندلی نشسته و دستانت دستبند و به پاهایش زنجیر زده شده است. به خود می‌لرزد و صدای گریه‌اش در اتاق می‌پیچد. آرام و قرار ندارد و مدام این یا او نامی‌کنند و دوباره گریه‌اش می‌گیرد. می‌گوید از زندان رجایی‌شهر و زندانیان آنجا هول و هراس دارم و می‌ترسم همان بلای را که سر وحید مرادی در زندان آمد سر من بیاید. وقتی کمی آرام می‌شود به پرسش‌های باز پرس جواب می‌دهد و می‌گوید: پس از فرار مشغول به کار شدم تا دیه مقتول را فراهم کنم و رضایت بگیرم. اما زود دستگیر شدم و نتوانستم همه دیه را فراهم کنم.



شهر روز مقتول را می‌شناختی؟ نه، من اولین بار بود که او را دیده بودم. چه شد که دست به چاقو بردی؟ آنها پنج نفر بودند و اول آنها مرا با چوب زدنند. مقتول با چوب ضربه‌ای به سر و دماغ زد، بعد من هم از ترس چاقو کشیدم و فقط فرخ‌اند.

چرا درگیر شدی؟ آن روز حال خوب نبود. هم مشروب خورده بودم و هم قرص اعصاب مصرف کرده بودم. وقتی با موتور از کنار آنها رد شدم مقتول با داد و فریاد به من فحاشی کرد و من هم عصبانی شدم و موتورسکلمتر را نگه داشتم و با آنها شروع به مشاجره لفظی کردم. اول دوستم می‌انجیگری کرد و مرا با خودش برد، اما مقتول دوباره به من اعتراض کرد و فکر کردم فحاشی کرده است. آنها پنج نفر بودند و من از ترس به خانه رفتم و چاقوی اسپرینخانه را برداشتم و به کوچه آمدم. آنها چوب داشتند و مرا با چوب زدند، من هم چاقو را چرخاندم و بعد متوجه شدم چند ضربه به مقتول بر خورد کرده است.

چرا گریه می‌کنی؟ من از دوران بچگی خوشی ندیدم و همیشه بدشانسی آوردم. هیچ دوختن پدر و مادر را نچسیدم. پدرم اهل دعوا و درگیری بود و همیشه به زندان می‌افتاد و با مادرم اختلاف داشت. مادرم هم از او جدا شد و ازدواج کرد. همین موضوع باعث شد مشکل اعصاب پیدا کنم و برای آرامشم قرص مصرف می‌کنم. من با پدرم زندگی می‌کنم و برادر کوچکم با عمه‌ام زندگی می‌کند. گریه می‌کنم، چون از زندان هراس دارم و می‌ترسم در زندان مرا هم مثل وحید مرادی به قتل برسانند.

چرا این فکر را نمی‌کنی؟ زندانی‌های رجایی‌شهر همه خلافکاران خشن و مجرمان خطرناک هستند و من از آنها ترس می‌کنم.

پس از قتل به کجا فرار کردی؟ دو روز اول که حال خوب نبود، اما وقتی فهمیدم مقتول به قتل رسیده از ترس به اهواز رفتم و در آنجا مشغول به کار شدم. تصمیم گرفتم پول دیه را فراهم کنم و به پدرم بدهم تا از اولیای دم رضایت بگیرد.

قدر پول فراهم کردی؟ من در کار نصب و راهاندازی کولر گازی هستم و در این چند ماه ۷۰ میلیون تومان پس‌انداز کرده‌م و به تهران آمدم تا پول را به پدرم بدهم و این بار تصمیم گرفتم در تهران کار کنم که دستگیر شوم.

تصمیم داشتی از کشور خارج شوی؟ من می‌خواستم اول پول دیه را فراهم کنم و رضایت اولیای دم را بگیرم تا عذاب وجدان نداشته باشم و بعد از ایران خارج شوم. در این مدت عذاب وجدان آرامش را از من گرفته بود و نمی‌توانستم بدون رضایت به زندگی ادامه بدهم.

بازداشت تیم جنایی در نخستین گام دوربین‌های مدار بسته محل حادثه را بررسی کردند و مشخص شد لحظه حادثه مقتول همراه چهار نفر از دوستانش در حال عبور از خیابان بودند که پس از عبور موتورسکلتی با دو سرنشین از بین آنها به راننده اعتراض می‌کنند. بعد از آن پسر موتورسوار با آنها مشاجره لفظی می‌کند و در ادامه کمی آن طرف‌تر خارج از دید دوربین مدار بسته درگیری مرگبار را رقم می‌زند. یکی از دوستان مقتول به مأموران پلیس گفت: «دوستم همراه برادرش که مأمور پلیس سابق افغانستان بود پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان به ایران آمدند و در نزدیکی محل حادثه در مغازه گلدوی مشغول به کار شدند. شب حادثه از محل کارم در هشتگرد به خانه دوستم و برادرش آمدم. ساعتی بعد من و مقتول و دو نفر از دوستانم برای خرید به بازار رفتم. در حال بازگشت به خانه بودیم که موتورسکلتی با دو سرنشین از میان ما عبور کرد که به او اعتراض کردم. مقتول به او گفت چه خبر است با این سرعت از بین ما عبور می‌کنی. امکان دارد جان ما به خطر بیفتد. او صدای ما را شنید و موتورسکلتش را نگه داشت و به سرافغان آمد، اما مشاجره لفظی او و دوستم با میلینگی گری دوست مقتول پایان یافت. لحظاتی بعد او دیوار بازگشت و به دوستم چپ‌چپ نگاه کرد و دوباره مشاجره آنها آغاز شد و در نهایت او به خانه‌شان رفت و با چاقویی بیرون آمد و دوستم را به قتل رساند.»

قاتل پس‌دایی پس از ۱۵ ماه فرار به دام افتاد

و شب حادثه هم پس از کری خوانی در اینستاگرم درگیری خونین را رقم زد. همزمان با ادامه تحقیقات، مأموران برای دستگیری عامل قتل و برادرش وارد عمل شدند، اما در یافتند دو برادر پس از قتل به مکان نامعلومی گریخته‌اند. در حالی که تلاش برای دستگیری متهمان ادامه داشت، شامگاه سه‌شنبه ۲۷ تیرماه مأموران پلیس باخبر شدند دو متهم پس از چهار ماه فرار به تهران بازگشته و زندگی مخفیانه‌ای را شروع کرده‌اند. بدین ترتیب مأموران به مخفیگاه متهمان رفتند و آنها را بازداشت کردند. دو برادر صبح دیروز به دادرسی امور جنایی تهران منتقل شدند و مقابل قضای محمدرضا صاحب‌جمعی به جرم خود اعتراف کردند. قاتل با اظهار شیمانی در توضیح ماجرا گفت: «خلوتاده‌هایمان از سال‌ها قبل با هم اختلاف داشتند، اما هیچ وقت راضی به مرگ یکدیگر نبودیم. من هم برای ترساندن رازهن‌ها اسلحه خریدم و شب حادثه هم اشتباه و از آن استفاده کردم.» دو متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

و همیشه مست می‌کرد و آبروریزی برایش اهمیتی نداشت. چند بار به او تذکر دادیم تا اینکه شب چهارشنبه‌سوری با هم درگیر شدیم. آن شب درگیری ما میان‌بیانجیگری دیگران پایان یافت. شب حادثه من خانه برادرم بودم که پس‌دایی‌ام به او زنگ زد و فحاشی کرد، بعد هم برای درگیری جلوی خانه‌هایم ریزگمان قرار گذاشت. وقتی به محل فرار رفتم، آنها اسلحه داشتند و به طرف پسرعمو و برادرم شلیک کردند که تیری به پای پسرعمویم اصابت کرد. سپس من اسلحه را به طرفش گرفتم و تهدید کردم جلوتیاید، اما او به طرف من آمد و من به طرف زمین شلیک کردم، اما دو تیر به پاهایش اصابت کرد.»

وی درباره تهیه اسلحه هم گفت: «من راننده کامیون بودم و سال‌ها قبل این اسلحه را برای دفاع در برابر سارقان به مبلغ ۷ میلیون تومان خریدم. آن سال‌ها ما پول حمل بار را نقدی دریافت می‌کردیم و از همکارانم شنیده بودم که رازهن‌زان در جاده‌ها پول‌های آنها را گرفته‌اند و من هم برای ترساندن رازهن‌ها اسلحه خریدم و شب حادثه هم اشتباه و از آن استفاده کردم.» دو متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

یادداشت

چرخه تعرض به زنان در پوشش مسافر بر شخصی

حسین فصیحی

برونده‌های بسیاری با موضوع تعرض به زنان و زورگیری در پوشش مسافربر در اداره‌های پلیس کشور تشکیل می‌شود. با وجود اینکه ابزار‌های کشف جرم در سال‌های اخیر پیشرفت محسوسی داشته است، با این حال مجرمان هم با تغییر شیوه‌های مجرمانه خود دست به این عمل سوزی پلیس شناسایی نشود، اولین گام برای انجام نقظه است. بنابراین عملی شدن نقظه با سرعت یک خودرو شروع می‌شود، یعنی ارتکاب یک عمل مجرمانه برای تکمیل عمل مجرمانه‌ای که هدف اصلی در آن دنبال می‌شود. مجرمانی که به این شیوه عمل می‌کنند، عمدتاً به صورت بانوی وارد عمل می‌شوند. در اجرای نقشه یک نفر در نقش راننده و یک یا دو نفر دیگر در نقش مسافر نقش خود را اجرا می‌کنند. اگر اعضای بانوی از این تعداد بیشتر باشند، متهمان در اجرای نقشه‌های خود جانشان را با اعضای دیگر بانگ عوض می‌کنند که امکان شناسایی شدن آنها از سوی پلیس یا سختی بیشتری همراه باشد. مجرمانی که به این شیوه عمل می‌کنند از جغرافیایی که قصد عمل مجرمانه در آن دارند به خوبی آگاه هستند. آنها بعد از شناسایی قربانی پرونده، او را سواری می‌کنند و در فرصت مناسب بعد از تغییر مسیر با تهدید چاقو یا اسلحه وی را به محل مورد نظرشان که از قبل شناسایی کرده‌اند می‌کشاند و به او تعرض و اموالش را هم سرتقت می‌کنند. چند روز قبل مأموران پلیس آگاهی شهرستان مروشدت سه نفر از مجرمانی را که به این شیوه به زنان تعرض کرده بودند، بازداشت کردند. آنها سواری بر خودروی سواری کوئیک، زنان و دختران را سواری می‌کردند و در بیابان‌های شهر به آنها تعرض کرده و طلا و اموالشان را هم سرتقت می‌کردند تا اینکه بازداشت شدند. سه متهم در بازجویی‌های اولیه به هشت فقره عمل مجرمانه اعتراف کردند که از زنان و دختران ۲ میلیارد تومان پول طلا سرتقت کرده‌اند. تحقیقات پلیس درباره سوابق سه متهم نشان داد است آنها قبل از این هم به اتهام جرائم دیگر از جمله آدم‌ربایی، تعرض و سرتقت بازداشت و به زندان محکوم شده بودند، اما بعد از زه‌های از حبس بار دیگر مرتکب جرم شده‌اند.

زنان و دخترانی که به این شیوه مورد تعرض گروهی قرار می‌گیرند، دیگر قادر نیستند به زندگی عادی برگردند و امکان خودکشی در بین بسیاری از آنها وجود دارد. عددهای از این زنان از بیم مواجه شدن با طلاق از سوی شوهرانشان ماجرا را از خانواده خود پنهان می‌کنند، اما قادر نیستند آسیب‌هایی را که به جسم و روانشان وارد می‌شود تحمل کنند، از همین‌رو در زندگی خود با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند. هستند زنانی هم که بعد از این حوادث چاره‌ای جز ترک زندگی مشترک ندارند، چرا که از سوی شوهر یا خانواده آسیب‌هایی را که به جسم و روانشان وارد می‌شود تحمل می‌کنند، از این جهت اجتماعی وارد می‌شوند زندگی‌های عملی‌تری می‌شوند. بسیاری وارد می‌شوند زندگی‌های نسلی در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نابسانانی وضعیت حمل و نقل عمومی در جامعه یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این پرونده‌هاست. وقتی شهرداری‌ها از ارائه خدمات حمل و نقل عمومی به شهروندان امتناع می‌کنند، بسیاری از شهروندانی که از دریافت این خدمات محروم می‌شوند چاره‌ای جز استفاده از خودروهای مسافربر مشخص ندارند. با وجود اینکه ورود تاکسی‌های اینترنتی به چرخه حمل و نقل عمومی توانسته نقشه مهمی در کاهش بروز جرائمی از این دست ایفا کند، اما بالا بودن هزینه‌های سفرها این تاکسی‌ها برای بسیاری از شهروندان سبب شده چرخه ارتکاب جرم در خودروهای مسافربر شخصی برقرار بماند. به نظر می‌رسد توجه سازمان‌های دولتی به تاکسی‌های اینترنتی و ارائه خدمات بهتر به این تاکسی‌ها و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ورود شرکت‌های جدید می‌تواند به کاهش جرائم و ارتقای امنیت مردم کمک کند. در این بین اما ارتقای آگاهی عمومی می‌تواند نقشه مهمی در پیشگیری از شکل‌گیری چنین پرونده‌هایی داشته باشد. اینکه خانواده‌ها مدام به اعضای خانواده توصیه می‌کنند هنگام تردد در شهر حتماً از وسیله نقلیه عمومی استفاده کنند حکایت از سهل‌انگاری در حمل و نقل مسافربرهای شخصی دارد که آگاهی‌بخشی عمومی می‌تواند اثربخشی خود را نشان دهد.

مفقودی

برگ سبزو کارت خودرو پراید جی تی‌ای ایکس آی مدل ۱۳۸۶ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران) ۶۸ ۲۶۷ هـ ۴۴ به شماره موتور ۱۸۶۶۹۲۹ و شماره شاسی ۳۸۱۶۹۰۳۱۴۱۲۲۸۶۰ متعلق به پوریا رستمی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. **البرز**

آگهی تغییرات موسسه غیر تجاری خدمات درماتی بسجیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۴۲۱۶۰ و به شماره ثبت ۷۷۲۲

به استناد صور تجلسه هیئت امناء مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد دارایی موسسه از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال به ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۳۵۱۱)

اطلاعیه پذیرش عضو

انجمن صنفی کارفرمایان شرکت های تعمیرات و نگهداری تأسیسات نفت، گاز و پتروشیمی به استناد ماده ۱۲۱ قانون کار و آیین نامه مصوب هیات وزیران ، انجمن صنفی با عنوان فوق در شرف تأسیس می‌باشد. کلیه کارفرمایان شاغل در صنف مزبور در صورت تمایل به عضویت، تا تاریخ انتشار این اطلاعیه ظرف ۱۰ روز می‌توانند درخواست کنش خود را به نشانی شیراز خیابان قصر دشت خیابان شهید بهشتی (خلدیر) ب. کوچه پلاک ۱۷ کسنتی : ۷۱۸۴۲۳۵۸ یا شماره ۰۱۱۲۴۶۲۴۶۱ ارسال و یا به شماره ۰۲۱۴۶۲۴۶۲۰ فاکس نمایند.

هیئت موسس ۱- شرکت پتروشمت جنوب ۲- شرکت پتروشک خاورمیانه ۳- شرکت پتروشیراز سان صنعت جنوب ماندان هیئت موسس: شرکت پتروشصنعت جنوب تلفن: ۰۲۱۴۶۲۴۶۲۱

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۵۴۵۴۸۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محمد جعفر زاده به استناد دو برگ استشهادیه به گواهی امضا شده منظم به تقاضای کنشی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت پلاک ۱۶۷۹۹ فرعی از ۱۸۴ اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت سهل انگاری حین اسباب کنشی مفقود گردیده است. با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد شش دانگ عرصه و اعیان سند مالکیت اولیه یک باب آپارتمان با شماره ۱۲۴ در دفتر ۱۹۳۴ و صفحه ۱۸۷ به نام وی و سند مالکیت تک برگ به شماره ۸۲۱۴۰۸۱۲۱ الف ۹۲ صادر و تسلیم شده است. و به موجب سند رسمی ۱۹۷۹۱۷/۲۱/۱۹۲۳۰۸۱۲۱ الف ۶۱ مشهود در رهن شرکت ملی نفت ایران صندوق های بازنشستی پس انداز و رفاه صنعت نفت قرار گرفته است. سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد اعتراض کنشی خود را به پیوسته اصل سند مالکیت نزد خود باشد یا بستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کنشی خود را به پیوسته اصل سند مالکیت با سند معامله به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر با وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت با سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. **م الف ۳۲ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد**

به جوان دوباره نگاه کن Javanonline.ir

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علی رضا مهدی زاده مود به استناد دو برگ استشهادیه به گواهی امضا شده منظم به تقاضای کنشی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت پلاک ۲۲۱۶۴ فرعی از ۱۸۲ اصلی بخش ۱۰ مشهد متعلق به وی می‌باشد که به علت جایجایی سهل انگاری مفقود گردیده است، با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد شش دانگ سند مالکیت اولیه یک باب آپارتمان با شماره ۳۸۷ و دفتر ۸۸۸ به نام جواد خلوصی و سند مالکیت دفترچه به شماره ۳۴۵۰۹۰ صادر و تسلیم شده است. و سپس برابر سند رسمی ۵۴۱۸۴/۵/۱۳۹۰۰۸۱۰۵ الف ۴۲ مشهود به نام آقای علیرضا مهدی زاده مود صلح حقوقی قطعی شده است. سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد اعتراض کنشی خود را به پیوسته اصل سند مالکیت نزد خود باشد یا بستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کنشی خود را به پیوسته اصل سند مالکیت با سند معامله به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر با وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت با سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. **رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد**

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۵۴۵۴۸۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علی رضا مهدی زاده مود به استناد دو برگ استشهادیه به گواهی امضا شده منظم به تقاضای کنشی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت پلاک ۲۲۱۶۴ فرعی از ۱۸۲ اصلی بخش ۱۰ مشهد متعلق به وی می‌باشد که به علت جایجایی سهل انگاری مفقود گردیده است، با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد شش دانگ سند مالکیت اولیه یک باب آپارتمان با شماره ۳۸۷ و دفتر ۸۸۸ به نام جواد خلوصی و سند مالکیت دفترچه به شماره ۳۴۵۰۹۰ صادر و تسلیم شده است. و سپس برابر سند رسمی ۵۴۱۸۴/۵/۱۳۹۰۰۸۱۰۵ الف ۴۲ مشهود به نام آقای علیرضا مهدی زاده مود صلح حقوقی قطعی شده است. سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد اعتراض کنشی خود را به پیوسته اصل سند مالکیت نزد خود باشد یا بستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کنشی خود را به پیوسته اصل سند مالکیت با سند معامله به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر با وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت با سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. **رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد**